ISSN: 2717-3216 *Volume 12, Issue 2 (2025), 127-139* https://www.ijfpjournal.ir/

Iranian Journal of Family Psychology

Research Paper

https://doi.org/10.22034/ijfp.2026.2075073.1465

Men's Self-Persuasion Styles in Marital Infidelity: A Qualitative Study

Seyyed Ali Kimiaei[1*], Hamid Darrodi[2*]

1. Professor in Counseling, Department of Education and Counseling Psychology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran
2. Assistant Professor, Department of Counseling, , Faculty of Humanities University of Bojnord, Bojnord, Iran

Article Info.

Received: 16 August 2025

Revised: 8 October 2025

Accepted: 14 December 2025

Keywords:

Infidelity

Self-persuasion

Men

Abstract

Abstract

Infidelity is one of the most destructive situations threatening marital life. Gender differences indicate that infidelity, particularly in the form of sexual infidelity, is more prevalent among men. In Joint-Point Centered Marital Therapy, understanding the methods through which infidel individuals persuade themselves to establish and continue extradyadic affairs is a major point of focus in terms of infidelity interventions and pathology. The present qualitative study aims to identify these self-persuasion methods among infidel men. Drawing on phenomenology, it aims to identify the lived experiences of infidel men regarding their self-persuasion style for establishing and continuing extradyadic relationships. Participants include 21 men who, due to their exposed infidelity, visited two selected counseling centers in Mashhad and Bojnord cities. Semi-structured interviews were used for data collection; the data were analyzed using Diekelmann's method. After analyzing the interviews, 287 initial codes, 10 concepts, and four categories were identified. These categories reflect four major methods of self-persuasion among infidel men, including generalization, deserving an affair, attribution to destiny, and deficit in marital relations.

***Corresponding author**
Email: Kimiaee@um.ac.ir

How to Cite:
Kimiaei, A., Darrodi, H. (2025). Men's Self-Persuasion Styles in Marital Infidelity: A Qualitative Study. *Iranian Journal of Family Psychology. 12*(2), 127-139.
https://doi.org/10.22034/ijfp.2026.2075073.1465

©The Author(s). Published by Family Psychology Association of Iran.
This article is an open access article licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

ISSN: 2717-3216 https://www.ijfpjournal.ir/

روانشناسی خانواده
دوره دوازدهم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۴



مقاله پژوهشی

سبک‌های خود- مجاب سازی مردان درگیر در روابط فرازناشویی: یک مطالعه کیفی

سید علی کیمیایی[1*]، حمید درودی[2]

۱. استاد گروه روانشناسی مشاوره و تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
۲. استادیار گروه مشاوره، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بجنورد، بجنورد، ایران

اطلاعات مقاله

دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۲۵
بازنگری: ۱۴۰۴/۰۷/۱۶
پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۲۳

کلیدواژه‌ها:
پیمان شکنی،
خود- مجاب سازی،
مردان

چکیده

پیمان شکنی به مثابه یکی از مخرب‌ترین موقعیت‌های تهدید کننده زندگی مشترک و یکی از عوامل تعارض و طلاق در زوج‌ها تلقی می‌گردد. تفاوت‌های جنسیتی بیانگر وقوع بیشتر پیمان شکنی در مردان نسبت به زنان بویژه در شکل پیمان شکنی جنسی است. در نظریه زوج درمانی اشتراک محور درک شیوه‌هایی که افراد پیمان شکن با استفاده از آنها، خود را برای ورود و تداوم روابط فرازناشویی مجاب می‌سازند به عنوان یک کانون تمرکز مهم در آسیب شناسی و مداخله‌های پیمان شکنی محسوب می‌گردد که هدف پژوهش حاضر نیز شناسایی همین سبک‌های خود- مجاب سازی در مردان پیمان شکن می‌باشد. پژوهش حاضر، پژوهشی کیفی است که با استفاده از طرح پدیدارشناسی به شناسایی تجارب زیسته مردان پیمان شکن در خصوص سبک‌های خود- مجاب سازی آنها برای ورود و تداوم رابطه فرازناشویی می‌پردازد. مشارکت کنندگان در پژوهش شامل ۲۱ مرد می‌باشد که بدلیل پیمان شکنی افشا شده به دو مرکز مشاوره منتخب در شهر مشهد و بجنورد مراجعه نموده‌اند. ابزار گردآوری اطلاعات در پژوهش حاضر، استفاده از مصاحبه نیمه ساختاریافته و تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها با استفاده از روش دیکلمن صورت پذیرفته است. تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها منجر به شناسایی۲۸۷ کد اولیه، ۱۰ مفهوم و ۴ مضمون گردید که این مضمون‌ها که در واقع منعکس کننده چهار سبک اصلی خود- مجاب سازی در مردان پیمان شکن هستند که عبارتند از عمومیت بخشی، استحقاق، انتساب‌هاب فوق ارادی و تکیه بر ضعف‌های منظومه زناشویی. مسائل اجتماعی، فرهنگی و مسائل مرتبط با نقش جنسیتی، آرمانی‌سازی روابط و نقش اسنادها، و موارد مربوط به ارتباط و صمیمت زوجی در کنار مسائل بین سنلی تبیین کننده نتایج پژوهش حاضر می‌باشد.

***نویسنده مسئول:**
پست الکترونیکی: Kimiaee@um.ac.ir

استناد به این مقاله:
کیمیایی، علی، درودی، حمید (۱۴۰۴). سبک‌های خود- مجاب سازی مردان درگیر در روابط فرازناشویی: یک مطالعه کیفی. *روانشناسی خانواده*، ۱۲(۲)، ۱۲۷-۱۳۹.

مقدمه

در حالی‌که جنبه‌های بسیاری از روابط عاطفی و جنسی زوج‌های امروزی تغییر یافته است، اما همچنان تک همسری یک انتظار اساسی و پیمان شکنی[1] و خروج از تعهد زناشویی یک موقعیت دردناک برای زوج‌ها می‌باشد (Knight, 2010)؛ به گونه‌ای که ۲۵ تا ۵۰ درصد اولین دلیل جدایی و طلاق در زوج‌ها را به خود اختصاص می‌دهد (Mark et al., 2011). پیمان شکنی، اعتماد موجود در رابطه و سطح صمیمیت زوج‌ها را متاثر می‌سازد. به علاوه پیمان شکنی تاثیرات منفی و مخربی بر روی ازدواج می‌گذارد و بحران‌های ناشی از افشای پیمان شکنی همه جنبه‌های رابطه زناشویی را متزلزل می‌سازد(Marchese Jeanfreau, 2009).

در پژوهش‌های گذشته، مباحثی در زمینه‌هایی مانند انگیزه‌های پیمان شکنی، پیش‌بینی کننده‌های آن و عوامل سهیم در بروز این پدیده مورد بررسی قرار گرفته است (Fincham & May, 2017; Hackathorn & Ashdown, 2020; Woolley & Koren, 2025). به علاه در خصوص نرخ بروز این پدیده نتایج بیانگر این مطلب است که ۲۵ درصد از مردان و ۲۰ درصد از زنان متاهل گزارش داده‌اند که در طول حیات خویش در یک رابطه فرازناشویی درگیر بوده‌اند (Fincham & May, 2017; Tafoya & Spitzberg, 2007) . در خصوص برقراری روابط عاشقانه این نرخ بسیار بالاتر گزارش شده و در دامنه‌ای بین ۶۰ تا ۷۰ درصد تخمین زده شده است (Allen & Baucom, 2006). به علاوه تفاوت‌های جنسیتی در خصوص روابط فرازناشویی بیانگر این مطلب است که زنان بیشتر درگیر پیمان شکنی عاطفی و مردان بیشتر درگیر پیمان شکنی جنسی می‌شوند (Blow & Hartnett, 2005; Ventura-León et al., 2025) همچنین مردان و زنان در واکنش به پیمان شکنی طرف مقابل‌شان همین الگو را نشان می‌دهند به این معنا که مردان هنگامی‌که قربانی از پیمان شکنی جنسی همسرشان قرار می‌گیرند، بسیار آشفته می‌شوند و زنان هنگامی‌که قربانی پیمان شکنی عاطفی قرار می‌گیرند واکنش منفی تری نشان می‌دهند (Blow & Hartnett,2005 Buss, 2018;). بنابراین تفاوت‌های بارز جنسیتی در خصوص مباحث مربوط به پیمان شکنی در زنان و مردان وجود دارد (Buss, 2018).

اما آنچه به عنوان یک موضوع بسیار مهم که تحت عنوان مثلث سیاه پیمان شکنی به آن پرداخته شده و در پژوهش‌های گذشته مطرح نگردیده است، برآمده از مفهوم سازی مبتنی بر نظریه زوج درمانی اشتراک محور (Kimiaei & Amini, 2021) می‌باشد. مطابق با مفهوم‌سازی این نظریه علل، انگیزه‌ها و عوامل تدام بخش پیمان شکنی زناشویی در همه اشکال بر روی یک سه ضلعی قابل تبیین می‌باشد. بر این اساس ضلع اول مثلث پیمان شکنی عبارتست از عوامل و برانگیزاننده‌هایی که زمینه ساز وقوع پیمان شکنی زناشویی می‌باشند. این ضلع در واقع اشاره به کمبودهای تحولی – چه در زمینه درون فردی و چه در زمینه بین فردی- دارد که افراد را مستعد ورود به روابط زناشویی می‌نماید. این کمبودها قبلا در پژوهش‌های مختلف مورد بحث قرار گرفته‌اند و به عواملی مانند فقدان روابط عاشقانه، سطوح پایین تعهد زناشویی، عزت نفس، تنوع طلبی جنسی، و عوامل موقعیتی و درنهایت عوامل چند بعدی که تبیین کننده انگیزه‌های پیمان شکنی می‌باشد، اشاره شده است (Selterman et al., 2019). همچنین در مطالعات دیگر عوامل مانند عوامل درون فردی، ویژگی‌های همسر، ویژگی‌های ازدواج و رابطه زناشویی و عوامل بافتی و مشکلات شخصیت نظیر خود شیفتگی (McNulty & Widman, 2018; McNulty & Widman, 2014)یا عوامل مربوط به مدل پنج عاملی شخصیت (Altgelt et al., 2018; Mahambrey, 2018) و یا سازه‌های بنیادی تحولی مانند سبک‌های دلبستگی (Barbaro et al., 2019; Warach et al., 2018) . در بروز پیمان شکنی مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.

ضلع دوم مثلث پیمان شکنی که در نظریه زوج درمانی اشتراک محور مورد توجه قرار گرفته است عبارتست از تمرکز بر مفهوم «فرصت» برای بروز پیمان شکنی زناشویی. این فرصت‌ها نیز قبلا در پژوهش‌های پیشین مورد بررسی قرار گرفته‌اند به عنوان نمونه نتایج یک پژوهش نشان می‌دهد که محیط‌های کاری مختلط برای مردان سفید پوست فرصت بیشتری را برای ایجاد روابط فرازناشویی ایجاد می‌نماید در حالیکه همین موقعیت برای مردان غیر سفید یا زنان فرصت بالقوه‌ای تلقی نمی‌گردد (Munsch & Yorks, 2018). همین

1 - Infidelity

نتایج در پژوهش‌های دیگر به نوعی مورد تایید قرار گرفته است (Kuroki, 2013; Warner et al., 2011). نکته جالب این است که استفاده از این فرصت (محل کار) برای مردان به صورت برجسته‌تری مطرح بوده است. به غیر از محل کار فرصت‌هایی نظیر مدرسه (Madden & Lenhart, 2006) و شبکه‌های برخط مجازی (Abbasi, 2019; Damercheli et al., 2022) نیز به عنوان بسترهای فرصت ساز برای ایجاد روابط فرازناشویی مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

ضلع سوم مثلث پیمان شکنی در نظریه زوج درمانی اشتراک محور که کانون تمرکز پژوهش فعلی می‌باشد عبارتست از مکانیسمی که افراد با توسل به آن خود را برای ورود به روابط فرازناشویی و تداوم آن مجاب می‌سازند. در واقع خود- مجاب سازی عبارتست از شیوه‌ای که هر فرد با استفاده از آن خود را برای ورود و حتی تداوم پیمان شکنی قانع می‌سازد. فرض این نظریه آن است که این شیوه قانع سازی خود است که فرایند پیمان شکنی را شروع و به تداوم آن کمک می‌نماید. اما شیوه‌های خود - مجاب سازی در افراد پیمان شکن یکسان نبوده و تفاوت‌های ساختاری با یکدیگر دارد که هدف این پژوهش تمرکز بر شناسایی همین شیوه‌ها در مردان درگیر در روابط فرازناشویی می‌باشد.

روش

پژوهش حاضر پژوهشی کیفی از نوع طرح پدیدارشناسی تفسیری محسوب می‌شود که هدف آن بررسی تجارب زیسته مردانی است که سابقه پیمان شکنی زناشویی دارند و به این دلیل به مراکز مشاوره منتخب در شهر مشهد و بجنورد مراجعه کرده‌اند. نمونه پژوهش را نیز ۲۱ تن از همین مردان تشکیل می‌دهند که با استفاده از روش نمونه گیری هدفمند ملاک محور انتخاب شدند این افراد در فاصله نه ماهه به این مراکز مراجعه نموده‌اند. این مردان علاوه بر سابقه پیمان شکنی افشا شده در حال حاضر به همراه همسرشان کاندید استفاده از خدمات زوج می‌باشند. ویژگی‌های جمعیت شناختی این افراد در جدول زیر ارائه شده است:

جدول۱- ویژگی‌های جمعیت شناختی مشارکت کنندگان در پژوهش

مشارکت کننده	سن	تحصیلات	شغل	مدت ازدواج	نوع پیمان شکنی	تعداد فرزندان
اول	۳۶	کارشناسی مهندسی عمران	کارشناس دفتر فنی عمران	۶ سال	عاطفی- جنسی	۱
دوم	۴۲	فوق دیپلم برق	آزاد	۹ سال	جنسی	۳
سوم	۳۱	دیپلم	آزاد	۴ سال	عاطفی	۰
چهارم	۳۸	کارشناسی اقتصاد	کارمند بانک	۶ سال	عاطفی- جنسی	۰
پنجم	۳۳	کارشناسی ادبیات	معلم	۷ سال	جنسی	۱
ششم	۳۸	دیپلم	آزاد	۹ سال	جنسی	۲
هفتم	۳۵	فوق دیپلم آزمایشگاه	کاردان آزمایشگاه	۴ سال	عاطفی	۱
هشتم	۳۷	دیپلم	راننده	۷ سال	عاطفی- جنسی	۱
نهم	۴۲	دیپلم	تاسیسات ساختمان	۱۲ سال	جنسی	۲
دهم	۳۵	مهندسی معماری	کارشناس سازمان نظام مهندسی	۸ سال	جنسی	۲
یازدهم	۳۷	دیپلم	آزاد	۹ سال	عاطفی	۳
دوازدهم	۴۰	کارشناسی ارشد مدیریت	کارمند	۱۶ سال	عاطفی- جنسی	۳
سیزدهم	۳۲	مهندس کامپیوتر	برنامه نویس خصوصی	۵ سال	جنسی	۱
چهاردهم	۳۶	دیپلم	تعمیرکار تلفن همراه	۶ سال	عاطفی- جنسی	۱
پانزدهم	۳۲	کارشناسی تربیت بدنی	معلم	۸ سال	عاطفی	۰
شانزدهم	۳۶	دیپلم	فروشنده مصنوعات چوبی	۹ سال	جنسی	۱
هفدهم	۳۹	کارشناسی ارشد الهیات	دبیر	۱۲ سال	عاطفی- جنسی	۳
هجدهم	۳۵	دیپلم	فروشنده سوپر مارکت	۱۰ سال	جنسی	۲
نوزدهم	۳۹	دیپلم	کابینت ساز	۱۲ سال	جنسی	۲
بیستم	۳۶	دیپلم	تزیینات پرده	۱۳ سال	عاطفی	۱
بیست و یکم	۲۹	دیپلم	آزاد	۳ سال	عاطفی	۰

منطبق با نتایج ارائه شده در جدول ۱ میانگین و انحراف معیار سن افراد شرکت کننده در پژوهش ۳۶/۰۹ ±۳/۴۱ سال می‌باشد. همچنین میانگین و انحراف معیار مدت ازدواج این افراد نیز برابر با ۸/۳۳ ±۳/۳۳ سال است. در خصوص تحصیلات نیز ۱۱ نفر دارای مدرک دیپلم، ۲ نفر دارای مدرک فوق دیپلم، ۶ نفر دارای مدرک کارشناسی و ۲ نفر دارای مدرک کارشناسی ارشد هستند.

ابزار اصلی گردآوری اطلاعات پژوهش عبارت بود از انجام مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته که در ابتدای هر مصاحبه، هدف از انجام مصاحبه ذکر و برای ضبط مصاحبه اجازه گرفته شد. در مورد محرمانه بودن اطلاعات و مصاحبه های ضبط شده نیز به مشارکت کنندگان اطمینان داده شد. به علاوه به مشارکت‌کنندگان اطمینان داده شد که مشخصات هویتی آنها کاملا محفوظ خواهد ماند. همچنین مشارکت کنندگان می‌توانستند در هر مرحله‌ای از مصاحبه، در صورت تمایل فرایند مصاحبه را خاتمه دهند و الزامی درخصوص پاسخگویی به سئوالات مصاحبه وجود نداشت. نمونه‌گیری تا حد اشباع نظری یعنی تا جایی که در جریان مصاحبه هیچ داده جدید یا مرتبط به یک مضمون به دست نیامد، ادامه پیدا کرد که در نهایت ۲۱ مشارکت کننده مورد بررسی قرار گرفتند. سوال اصلی عبارت بود از: شما با چه دلایل، توجیهات یا با تمسک به چه مسائلی خودتان را برای درگیر شدن در پیمان شکنی مجاب می‌کردید؟ در واقع چطور خودتان را قانع نمودید تا وارد این روابط شده و به آن ادامه دهید؟ و چگونه خودتان را راضی به انجام این کار می‌کردید؟ سایر سئوالات مصاحبه ناظر بر بررسی زمینه رابطه زناشویی و میزان رضایت از آن، بررسی سابقه تعارضات زناشویی و شیوه‌های حل این تعارضات، بررسی زمینه‌های تحولی مشارکت‌کنندگان، بررسی طول مدت و تعدد رابطه فرازناشویی و نوع رابطه فرازناشویی بود که مبتنی بر پیشینه نظری طراحی شد و پاسخ به این سئوالات نیز در تحلیل مضامین اثر گذار بود.

با توجه به استفاده از طرح پدیدارشناسی به عنوان روش پژوهش، فرایند تحلیل داده‌ها با استفاده از روش هفت مرحله‌ای دیکلمن[1] انجام شد. بر اساس این روش ۱- متن مصاحبه ها پس از پیاده شدن روی کاغذ، چندین بار مرور شد تا شناخت کلی از آن حاصل شود. سپس برای هر یک از متون مصاحبه خلاصه تفسیری نوشته شد و نسبت به درک و استخراج معانی نهفته در آن از طریق کدگذاری اولیه اقدام گردید ۲- تمامی کدهای اولیه بصورت گروهی مورد تحلیل قرار گرفت تا مضمون‌های اصلی در قالب مفاهیم مشخص گردد ۳- برای اطمینان از تحلیل‌های صورت گرفته و شناسایی ناسازگاری‌های احتمالی، مجددا به متن اصلی مصاحبه‌ها مراجعه شد ۴- برای شناسایی و توصیف معانی مشترک، متن مصاحبه‌ها و مفاهیم استخراج شده مورد مقایسه قرار گرفت ۵- الگوهایی که بتواند مفاهیم مختلف را در قالب مضمون‌های کلی پیوند دهد مورد بررسی قرار گرفت ۶- پیشنهادات گروه پژوهشی و سایر متخصصان آشنا با محتوای مورد مطالعه در مورد پیش نویس نهایی مد نظر قرار گرفت و ۷- گزراش نهایی تدوین شد. در ادامه پژوهشگران در استخراج مضامین به مشارکت و تبادل نظر پرداختند. لازم به ذکر است که نمونه گیری و تحلیل یکی پس از دیگری انجام می‌گرفت و تحلیل هر مصاحبه کار گردآوری داده‌ها را در مصاحبه بعدی هدایت می‌کرد.

از معیارهای پیشنهادی Nkwake (2015) جهت تایید و استحکام داده‌های پژوهش استفاده شد. جهت افزایش قابلیت اعتبار، محققان اختصاص وقت کافی برای گردآوری داده‌ها را در اولویت قرار دادند. همچنین با حضور دائم در بافت پژوهش و ایجاد رابطه صمیمی با شرکت‌کنندگان و با مشارکت و تعامل کافی با مشارکت‌کنندگان، برای جمع‌آوری اطلاعات دقیق تلاش نمودند و در ادامه، تایید اطلاعات توسط مشارکت‌کنندگان، به افزایش اعتبار کمک نمود. تکرار گام به گام جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها و راهنمایی گرفتن از اساتید و صاحب نظران و مراجعه به متون به منظور افزایش قابلیت اعتماد صورت پذیرفت. به علاوه تاییدپذیری یافته‌های پژوهش با استفاده از یادداشت میدانی در طی فرایند تحلیل و تفسیرهای انجام شده، تا آنجا که امکان پذیر است اندیشه‌ها، باورها و انتظارات ذهنی پژوهشگران در جریان گردآوری و تحلیل اطلاعات کنترل گردد. به علاوه فرایند تاییدپذیری از طریق همخوانی دو شخص مستقل در مورد دقت، ارتباط و معنای یافته‌ها سنجیده شد. همچنین قابلیت انتقال پژوهش نیز با گزارش توصیفی دقیق جهت ارزیابی و قابلیت کاربرد مطالعه در سایر مطالعات صورت پذیرفت. علاوه بر این معیارهای مشابه و دارای تنوع در انتخاب شرکت کنندگان در نظر گرفته شد تا یافته‌ها تجلی بهتری از شرایط واقعی و گروه‌های مشابه داشته باشد.

1 Diekelman

روش اجرای پژوهش بدین صورت بود که پژوهشگران ضمن هماهنگی و تشریح اهداف پژوهش، با متخصصان دارای مدرک دکتری در دو مرکز مشاوره منتخب که در حوزه زوج درمانی فعالیت داشتند، از آنها در خصوص معرفی و کسب اجازه از افراد یا زوج‌هایی که به دلیل برملا شدن پیمان شکنی زناشویی متقاضی دریافت خدمات زوج درمانی یا روان درمانی فردی بودند، درخواست کمک نمودند. معیارهای انتخاب مشارکت کنندگان شامل مرد بودن فرد پیمان شکن و برملا شدن پیمان شکنی در رابطه زناشویی، ادامه زندگی مشترک به رغم برملا شدن پیمان شکنی و عدم مصرف داروهای روانگردان (بصورت خوداظهاری) برای این متخصصان مشخص گردید. همچنین معیارهای خروج عبارت بود از عدم تمایل به ادامه جلسات مشاوره یا درخواست طلاق از همسر در حین جلسات. سپس در فاصله نه ماهه، تعداد ۲۸ متقاضی از سمت این متخصصان معرفی گردید که از این تعداد ۲۱ تن در فرایند مصاحبه‌ها مشارکت داشتند. فرایند مصاحبه با این افراد با روندی که در سطرهای گذشته تشریح گردید، آغاز شد و تا هنگام رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت.

یافته‌ها

تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از پیاده سازی مصاحبه‌ها منجر به شناسایی ۲۸۷ کد اولیه، ۱۰ مفهوم و ۴ مضمون گردید که مردان به طور کلی از طریق این مضمون‌های چهار گانه که عبارتند از الف)عمومیت بخشی ب) استحقاق ج) انتساب‌های فوق ارادی و د) تکیه بر ضعف‌های منظومه زناشویی، خود را برای ورود به روابط فرازناشویی مجاب می‌نمودند. این نتایج در جدول ۲ ارائه شده است:

جدول۲- کدهای اولیه، مفاهیم و مضمون های مستخرج از مصاحبه‌ها

مضمون‌ها	مفاهیم	کدهای اولیه
عمومیت بخشی	رایج بودن	توصیه دوستان صمیمی به داشتن روابط فرازناشویی
		جنبه تفننی داشتن روابط فرازناشویی
		تجارب خوشایند افراد درگیر در روابط فرازناشویی
		وجود کانال های مجازی متعدد در زمینه ترویج روابط فرازناشویی
		ساختن هنجارهای متعدد برای اثبات رواج روابط فرازناشویی
	تغییر در بستر زندگی زناشویی	ناکارآمدی زندگی زوجی در عصر کنونی
		اعتراض به محدودیت‌های زندگی زوجی و تعهد به آن
		اظهار پشیمانی افراد متاهل نسبت به ازدواج
		منقضی شدن شیوه زندگی مشترک
		عقب نماندن از دیگران
استحقاق	دیدگاه لذت گرایانه محض به زندگی	اعتقاد به لذت بردن تحت همه شرایط
		حق داشتن یک زندگی خصوصی در کنار زندگی مشترک
		اعتقاد به اینکه لذت بردن تداخلی با زندگی زناشویی ندارد
	تلافی کردن	اقدام متقابل در مقابل رفتار غیر متعهدانه همسر
		توافق بر سر عدم دخالت زوج در روابط یکدیگر
		تسری اختلاف در سایر حوزه‌ها به تعهد زناشویی
	گریز از یکنواخت شدن زندگی	رهایی از دلزدگی و یکنواختی زندگی زناشویی
		جدا شدن از دغدغه‌های رایج زندگی
		فاصله گرفتن از روزمره‌گی
		ایجاد تنوع در جریان زندگی
		تغییر جریان از مصرف مواد به روابط زناشویی
انتساب‌های فوق ارادی	آرمانی سازی و تجربه عشق	تاکید بر خاص بودن رابطه و تفاوت آن با سایر روابط
		قداست دادن به رابطه
		تفاوت شریک پیمان شکن با سایرین
		شور و شوق فراوان از رابطه با شریک پیمان شکنی
		تاکید بر دریافت احترام فراوان از سمت شریک پیمان شکنی
		تاکید بر لذات غیر شهوانی در رابطه

مضمون‌ها	مفاهیم	کدهای اولیه
		تجربه حس صمیمیت متفاوت
		تغییر مثبت همه جوانب زندگی پس از رابطه فرازناشویی
	تاکید به نصیب و قسمت	تاکید بر وقوع خودجوش و خودبخودی رابطه
		جور شدن همه شرایط برای شروع و تداوم رابطه
		تسلیم شدن به وقوع شروع رابطه
		تمسک به الهام و شهود در مورد مناسب بودن رابطه
تکیه بر ضعف های منظومه زناشویی	تحقیر شدن از جانب همسر	مقایسه دائم زندگی زناشویی با زندگی دیگران توسط همسر
		القای عدم توانمندی در ادراه زندگی توسط همسر
		ارائه درخواست‌هایی از سمت همسر، که امکان تامین آنها موجود نباشد
	ضعف در روابط عاطفی- جنسی	عدم وجود صمیمت عاطفی و جدایی عاطفی
		وجود روابط جنسی بسیار محدود
		عدم توافق بر سر مسائل زندگی زناشویی
		مشکلات شدید در برخورد با فرزندان
		عدم اختصاص زمان با هم بودن
		وجود تعارضات عمیق و جدی در روابط
	وابستگی همسر به خانواده اصلی	دخالت شدید خانواده همسر در زندگی زوج
		نفوذ جدی خانواده همسر بر تصمیمات زندگی زوج
		روابط کاملا تنیده همسر با خانواده اصلی‌اش
		غفلت از انجام نقش‌های زوجی بواسطه حضور مستمر در منزل پدری

الف) عمومیت بخشی

این مضمون در برگیرنده دو مفهوم *رایج بودن و تغییر در بستر زندگی زناشویی* می‌باشد. مشارکت کنندگان به شیوه‌هایی برای قانع کردن خود جهت ورود به روابط فرازناشویی اشاره داشتند که حاکی از این مطلب است که نه تنها پدیده پیمان شکنی در وضعیت فعلی و زندگی کنونی پدیده‌ای رایج است بلکه تحول زندگی در همه عرصه‌ها و بالتبع عرصه زناشویی، مسئله روابط فرازناشویی را مجاز می‌داند. در واقع مشارکت کنندگان به استانداردهایی متوسل می‌شوند که بر مبنای این استانداردها، پدیده روابط فرازناشویی در زمان کنونی یک مسئله حل شده و هضم شده برای طرفین تلقی می‌گردد. در مثال زیر مشارکت کننده توصیف می کند که چطور خود را با توسل به این مکانیسم برای ورود به این روابط قانع می‌کند:

« دوستان و اغلب همکاران من با اینکه متاهل و حتی صاحب فرزند بودند، باز هم با یک یا چند نفر رابطه داشتند. حتی مسکن مخفی داشتند. دائما مواردی را به من معرفی می‌کردند که به راحتی تمایل داشتند وارد یک رابطه شوند. حتی در شبکه های اجتماعی مشترک بحث این مسائل کاملا عادی بود و به نوعی تفریح و سرگرمی و پرستیژ تعبیر می‌شد» (مشارکت کننده هفتم).

«واقعا زمان اینکه یک نفر خودش رو تا آخر عمر وابسته و متعهد به یک نفر دیگه کنه تموم شده. دوستانی دارم که همسرشون هم مطلع هست که آقا روابط متعددی داره و اصلا کاری به کار شوهرشون در این زمینه نداشته باشند. حتی خود زن‌ها هم این مسئله رو پذیرفتند که مردها تنوع طلب هستند»(مشارکت کننده سوم).

ب) استحقاق

این مضمون نیز منعکس کننده سه مفهوم *داشتن دیدگاه لذت گرایانه محض به زندگی زناشویی، تلافی جویی و گریز از یکنواخت شدن زندگی* می‌باشد. این مضمون توصیف کننده شیوه‌های است که افراد از طریق توسل به اینکه می‌توانند از طریق لذت بردن بی قید و شرط و داشتن یک زندگی خصوصی که بتوانند بدون دغدغه و تعهد از آن لذت ببرند و در عین حال یک زندگی

متعهدانه نیز داشته باشند، خود را برای پیمان شکنی مجاب سازند. در زیر نظرات مشارکت کنندگان حول این مضمون به عنوان نمونه بیان گردیده است:

«من برای همسر خودم هیچ کم و کسری نگذاشته بودم. در عین حال حق خودم می‌دانستم که خودم هم از زندگی لذت ببرم. من یک زندگی خصوصی دیگر در کنار زندگی اصلی‌ام داشتم که بدون اینکه خللی به آسایش همسرم وارد کنم حتی این لذت بردن موجب می‌شد رابطه بهتری با همسرم داشته باشم»(مشارکت کننده هفدهم).

«من بارها شاهد حریم شکنی و پز امروزی بودن از طرف همسرم بودم. فکر می‌کرد من اگر بخواهم نمی‌توانم وارد اینگونه روابط شوم ولی به او اثبات شد که نمی‌تواند تک‌روی کند. بعد از مدتی نه من به کار او کاری داشتم و نه او حق داشت در کار من دخالت کند...» (مشارکت کننده دوازدهم)..

«واقعا زندگی برام یکنواخت و تهوع آور شده بود با چیزهای زیادی مثل خرید فروش ماشین و موبایل سرم رو گرم کردم تا اینکه بواسطه یکی از دوستانم وارد این روابط شدم در این رابطه جدیدم چون کسی نبود که مدام به من غر بزنه و دستور بده، زندگی راحت‌تری داشتم»(مشارکت کننده چهاردهم).

ج) انتساب‌های فوق ارادی

این مضمون در برگیرنده دو مفهوم *آرمانی سازی و تجربه عشق و تاکید بر نصیب و قسمت* می‌باشد و منعکس کننده شیوه‌ای از خود- مجاب سازی است که افراد با تمسک به پدیده‌های فوق ارادی و خارج از کنترل مانند تاکید بر قداست رابطه، تجربه یک حس فرازمینی، تسلیم شدن نسبت به وقوع پدیده‌ای خارج از اراده و مسائل این چنینی، خود را برای ورود به روابط فرازناشویی قانع می‌سازند. در زیر نمونه‌ای از ادراک‌های مشارکت کنندگان از این شیوه خود- مجاب سازی ارائه شده است:

«بر خلاف روابط قبلی و حتی ازدواجم، این رابطه از همان مرحله آشنا شدن تا مرحله جدی شدن رابطه به قدری خودبخود اتفاق افتاد که واقعا من احساس می‌کردم هیچ کنترلی به وقایع ندارم حتی چند باری که خواستم به این رابطه پایان بدم اتفاقات عجیب و غریبی می‌افتاد که دوباره رابطه شروع می‌شد. بعد از این رابطه همه جنبه‌های زندگی من متعالی شد کارهایی می‌کردم که قبلا به انجام اون کارها اعتقاد نداشتم....» (مشارکت کننده بیستم).

«واقعا احساس می‌کردم خیلی مورد احترام واقع شدم. احساس می‌کردم می‌تونم خودم رو به یکی نشون بدم. می‌فهمیدم که زندگیم داره تغییر می‌کنه. اصلا رابطه من سطحی و چیپ نبود واقعا پرمعنا بود. اصلا فکر می‌کردم تقدیر من این بوده که وارد این رابطه بشم»(مشارکت کننده نهم).

د) تکیه بر ضعف‌های منظومه زناشویی

این مضمون نیز شامل سه مفهوم *تحقیر از جانب همسر، ضعف در روابط عاطفی- جنسی و وابستگی همسر به خانواده اصلی* می‌باشد و انعکاسی است از ناکارآمدی‌های منظومه زناشویی در حوزه‌های عاطفی، جنسی، دلبستگی بین زوج، حل تعارض، عدم تمایز و عدم ایفای نقش‌های زوجی که بستر را جهت ورود به یک رابطه فرازناشویی آماده ساخته است. در سطرهای زیر قسمتی از این تجارب ارائه گردیده است:

«هر کس مثل من در یک رابطه‌ای قرار داشت که هر روز سرکوفت می‌شنید از زندگی و زنش متنفر می‌شد. من دائما با برادرهاش، باجناق‌هام حتی همسایه‌ها مقایسه می‌شدم. شده بودم عابر بانک نه شوهر ولی در رابطه جدیدم واقعا مورد احترام بودم...» (مشارکت کننده یازدهم).

«دنبال بهونه بودیم تا با هم دعوا کنیم. منتظر بودیم اتفاقی بیفته تا بتونیم از هم انتقام بگیریم و هم رو پیش هر کسی ضایع می‌کردیم. همه اینها ما رو از هم دور کرد و زن و شوهری که از هم دور بشن اتفاقات خوبی براشون نمیفته» (مشارکت کننده هجدهم).

«مشکل اصلی این بود که ایشون به شدت تحت تاثیر مادر و خواهرهاش بود. اونا براش تصمیم می‌گرفتند که چکار بکنه. واقعا برخوردشون عذاب آور بود اصلا اونا منو سوق دادن به سمت این روابط که از من آتو بگیرن» (مشارکت کننده شانزدهم).

بحث

برمبنای نظریه زوج درمانی اشتراک محور یکی از عوامل مهم در مثلث پیمان شکنی زناشویی عبارتست از سبک‌هایی که افراد خود را برای ورود به روابط فرازناشویی و پیمان شکنی زناشویی مجاب می‌سازند. هدف پژوهش حاضر مطالعه کیفی سبک‌های خود- مجاب سازی در مردان با سابقه پیمان شکنی زناشویی برملا شده بود. همچنان که نتایج پژوهش نشان داد این بررسی در نهایت به شناسایی چهار مضمون اصلی منجر شد که هر کدام در برگیرنده مفاهیم معینی بودند.

اولین مکانیسم یا روش خود- مجاب سازی عبارت بود از عمومیت بخشی که به طور کلی دربرگیرنده قانع کردن خود از طریق تکیه به رواج این پدیده و در نهایت ساختن استانداردهای جدید و ایجاد خطاهای مرتبط با هنجار برای ورود به این روابط می‌باشد. مکانیسم عمومیت‌بخشی در خود-مجاب‌سازی، با تکیه بر رواج اجتماعی روابط فرازناشویی، به عادی‌سازی و ایجاد استانداردهای جدید می‌پردازد. مطالعات نشان می‌دهند هنجارهای اجتماعی نفوذپذیر در مورد وفاداری (Smith, 2007; Parikh, 2007; Hunter, 2010; Mtenga et al., 2018;) و درک مردانگی از طریق کفایت جنسی (Luke, 2007; Kaler, 2003) مردان را به سوی این روابط سوق می‌دهد. از سوی دیگر، مکالمات غیررسمی در شبکه‌های اجتماعی، این رفتارها را عادی‌سازی می‌کند (Coma, 2013). و نقض هنجار توسط گروه‌های کوچک، دیگران را نیز به تخطی از هنجارهای وفاداری ترغیب می‌نماید (Bicchieri & Xiao, 2009). همچنین نتایج یک پژوهش بیان می‌کند که اگر روابط فرازناشویی در یک بافت غیر اجتماعی بررسی گردد، این بررسی ناکافی و ناکارآمد تلقی خواهد شد چرا که رفتارهای جنسی تحت تاثیر ادراک و معنادهی اجتماعی قرار می‌گیرد که ممکن است همین ادراک و نحوه معنادهی به این رفتارها، انگیزه و قصد ورود به روابط فرازناشویی را تبیین نماید (Thornton, 2008).

استحقاق به عنوان دومین مضمون دربرگیرنده مجموعه‌ای از سبک‌های خود- مجاب سازی می‌باشد که در آن فرد از طریق تمسک به اتخاذ یک دیدگاه لذت گرایانه یا تلافی کردن متقابل پیمان شکنی همسر و یا گریز از یکنواختی، خود را برای ورود به روابط فرازناشویی محق می‌داند. یک بحث اساسی در این خصوص به دیدگاه‌های اجتماعی و فرهنگی مربوط می‌شود که در آن چون مردان به عنوان گردانندگان اصلی چرخه اقتصاد خانواده محسوب می‌شوند، خود را برای کسب لذت یا بهره‌مندی از سایر منافع محق تلقی می‌کنند (Mtenga et al., 2018). در همین زمینه برنامه‌هایی به منظور توانمندسازی اقتصادی زنان نیز وضع شده تا بتواند این وضعیت را متعادل سازد (Massawe, 2014). به علاوه یک بحث کمتر مطالعه شده مربوط به پیمان شکنی تلافی جویانه[1] می‌باشد که در آن فرد به پیمان شکنی واقعی یا ناشی از سوء ظن همسرش پاسخ می‌دهد (Warach et al., 2018). به طور خاص این شکل از پیمان شکنی هنگامی رخ می‌دهد که فرد احساس می‌کند از طرف همسرش مورد بی وفایی قرار گرفته است و در پاسخ به این پیمان شکنی اولیه، وارد روابط فرازناشویی می‌شود (Meston & Buss, 2009; Raeisi et al., 2023) . هر چند خود این افراد دلیل این روابط را بازگرداندن همسرشان به رابطه تلقی می‌کنند (Armstrong & Reissing, 2015; Wood et al., 2014) با این حال مطالعات بیانگر وقوع پیمان شکنی پنهان شده در پس این سوء ظن می‌باشد (Maddox Shaw, 2013). برخی از مطالعات نیز از یک انتظار اجتماعی تلویحی مبنی بر داشتن حق تلافی برای فرد قربانی سخن به میان می‌آورند به این معنا که از لحاظ اجتماعی پیمان شکنی فرد قربانی موجه سازی می‌گردد (Greiling & Buss, 2000). و درنهایت متون قابل توجهی در خصوص دلزدگی و یکواختی زندگی و رابطه آن با روابط فرازناشویی وجود دارد(Zareei Mahmoodabadi, 2022 Kundu et al., 2019;) .

سومین سبک خود- مجاب سازی در مردان دارای سابقه پیمان شکنی عبارت بود از انتساب‌های غیر ارادی که در آن افراد وجود مسائلی مانند وجود نصیب و قسمت یا آرمانی سازی رابطه را دلیلی جهت مجاب شدن برای ورود به رابطه می‌دانستند. آنگونه که

1 Retaliatory infidelity

دیپا در خصوص رابطه رمانتیک و رابطه ایده‌آل سازی شده بیان می‌کند، پیمان شکنی می‌تواند به عنوان پایه و زمینه‌ای برای عشق رمانتیک، پیوندهای محبت آمیز و حتی عشق خود بزرگ بینانه در نظر گرفته شود (Depa, 2019). همچنین برمبنای نتایج مطالعات قبل افراد تجربه مجدد صمیمیت و دستیابی به چیزی که دیگر آن را در زندگی مشترک‌شان نمی‌یابند را به عنوان دلیلی برای پیمان شکنی بیان نموده‌اند (Gordon et al., 2007). در واقع افراد وقتی متوجه می‌شوند که شریک زندگی‌شان و یا سرنوشت‌شان و مسیری که در آن هستند بخش کافی‌ای از آرمان‌های عشقی و ایده‌آل‌های روابط‌شان را برآورده نمی‌سازد مستعد ورود به روابط فرازناشویی می‌گردند. در طبقه‌بندی پیتمن نیز این نوع از روابط فرازناشویی تحت عنوان برخوردهای تصادفی مورد بررسی قرار گرفته است که در آن عامل شروع این روابط یک واقعه تصادفی ذکر شده است (Weeks & Fife, 2014). در واقع افراد با اسناد به غیرقابل کنترل بودن وقوع این روابط نسبت به پذیرش مسئولانه آن شانه خالی نموده (Thompson & O'Sullivan, 2017) و خود را برای ورود و تداوم رابطه مجاب می‌سازند.

بالاخره چهارمین مضمون که به لحاظ اهمیت و تعدد تاکید در مصاحبه‌های کیفی از اهمیت بالاتری برخوردار بود عبارتست از شیوه‌ای که در آن فرد از طریق تکیه به ضعف‌های موجود در منظومه زناشویی مانند مشکلات ارتباطی، مشکلات عاطفی و جنسی و یا مشکلات مربوط به خانواده اصلی، خود را برای ورود به یک رابطه فرازناشویی مجاب می‌سازد. در همین راستا تحقیقات قابل توجهی نیز به مشکلات زوجی منجر به پیمان شکنی پرداخته‌اند و حتی مدل‌هایی مانند مدل سرمایه‌گذاری (Gemmer, 2013)، مدل خود کنترلی (Ciarocco et al., 2012) فرضیه تغییر همسر (Buss et al., 2017) نیز تبیین‌هایی در این زمینه ارائه نموده‌اند که همگی بیانگر نقش الگوهای ارتباطی زناشویی نامطلوب از جمله مسائل تحولی نظیر حساسیت به طرد (Karimi & Lali, 2024) بر پیمان شکنی زناشویی می‌باشد. به علاوه جستجوی رضایت جنسی، جسمی و هیجانی (Oppenheimer, 2007) ، ارتباط توام با خشم، آسیب، حسادت نسبت به همسر (Ziv et al., 2018) نیز به عنوان عوامل مستعد کننده در این زمینه مطرح گردیده است.

بر اساس نظریه زوج درمانی اشتراک محور، مردان برای توجیه ورود به روابط فرازناشویی از چهار راهبرد اصلی خود–مجاب سازی استفاده می‌کنند: عادی‌سازی پدیده بر اساس هنجارهای اجتماعی و فرهنگی، توجیه با دلایلی مانند تلافی یا لذت‌جویی، کاهش مسئولیت شخصی با اسناد به عشق آرمانی یا سرنوشت، و توجیه از طریق تمرکز بر ضعف‌های ارتباطی یا ساختاری در رابطه زناشویی. این راهبردها با عوامل اجتماعی، روانی و ارتباطی گوناگونی قابل تبیین هستند.

محدودیت عمده پژوهش حاضر این بود که سبک‌های خود- مجاب سازی در همه انواع پیمان شکنی و بدون تفکیک آنها مورد بررسی قرار گرفت در حالیکه ممکن است این سبک‌ها در انواع مختلف پیمان شکنی – جنسی، عاطفی، ترکیبی و یا سایر دسته بندی‌ها- متفاوت باشد. محدودیت دوم مربوط به نفوذ متغیرهای جمعیت شناختی می‌باشد که ممکن است تحصیلات، مدت ازدواج، سطح اقتصادی – اجتماعی و تعداد فرزندان، سبک‌های مختلفی از خود- مجاب سازی را در بر داشته باشد. مبتنی بر همین محدودیت‌ها، پیشنها می‌گردد که پژوهش‌های آینده ضمن مطالعه این سبک‌ها در زنان، سبک‌های خود- مجاب سازی را در انواع مختلف پیمان شکنی و مبتنی بر سطوح مختلف ویژگی‌های جمعیت شناختی مانند سطح تحصیلات یا مرحله تحول خانواده مورد بررسی قرار دهند.

تشکر و سپاسگزاری

پژوهشگران بر خود لازم می‌دانند که از تمامی شرکت‌کنندگان جهت شرکت در پژوهش تشکر و قدردانی نمایند.

تعارض منافع

در این مقاله هیچ تعارض منافعی وجود ندارد.

References

Abbasi, I. S. (2019). Social media addiction in romantic relationships: Does user's age influence vulnerability to social media infidelity? *Personality and Individual Differences*, *139*, 277-280.

Allen, E. S., & Baucom, D. H. (2006). Dating, marital, and hypothetical extra dyadic involvements: How do they compare?. *Journal of Sex Research*, *43*(4), 307-317. https://doi.org/10.1080/00224490609552330

Altgelt, E. E., Reyes, M. A., French, J. E., Meltzer, A. L., & McNulty, J. K. (2018). Who is sexually faithful? Own and partner personality traits as predictors of infidelity. *Journal of Social and Personal Relationships*, *35*(4), 600-614. https://doi.org/10.1177/0265407517743085

Armstrong, H. L., & Reissing, E. D. (2015). Women's motivations to have sex in casual and committed relationships with male and female partners. *Archives of Sexual Behavior*, *44*(4), 921-934. https://doi.org/10.1007/s10508-014-0462-4

Barbaro, N., Sela, Y., Atari, M., Shackelford, T. K., & Zeigler-Hill, V. (2019). Romantic attachment and mate retention behavior: The mediating role of perceived risk of partner infidelity. *Journal of Social and Personal Relationships*, *36*(3), 940-956. https://doi.org/10.1177/0265407517749330

Blow, A. J., & Hartnett, K. (2005). Infidelity in committed relationships I: A methodological review. *Journal of marital and family therapy*, *31*(2), 183-216. https://doi.org/10.1111/j.1752-0606.2005.tb01555.x

Bicchieri, C., & Xiao, E. (2009). Do the right thing: but only if others do so. Journal of Behavioral Decision Making, 22(2), 191-208. http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.1009851

Buss, D. M. (2018). Sexual and emotional infidelity: Evolved gender differences in jealousy prove robust and replicable. *Perspectives on Psychological Science*, *13*(2), 155-160. https://doi.org/10.1177/1745691617698225

Buss, D. M., Goetz, C., Duntley, J. D., Asao, K., & Conroy-Beam, D. (2017). The mate switching hypothesis. *Personality and Individual Differences*, *104*, 143-149. https://doi.org/10.1016/j.paid.2016.07.022

Ciarocco, N. J., Echevarria, J., & Lewandowski Jr, G. W. (2012). Hungry for love: The influence of self-regulation on infidelity. *The Journal of social psychology*, *152*(1), 61-74. https://doi.org/10.1080/00224545.2011.555435

Coma, J. C. (2013). When the group encourages extramarital sex: Difficulties in HIV/AIDS prevention in rural Malawi. *Demographic research*, *28*, 849-880. https://doi.org/10.4054/demres.2013.28.30

Damercheli, P., Zargham hajebi, M., Navabinejad, S. (2022). Mediating Role of Self-Control in the Relationship between Virtual Internet Addiction and Sensation Seeking with Emotional Divorce and Attitudes toward Marital Infidelity in Women with Extramarital Affairs. *Iranian Journal of Family psychology. 9*(1), 30-44. [In Persian]. https://doi.org/10.22034/ijfp.2022.546642.1072

Depa, M. A. (2019). *The phenomenological investigation of "The Other Woman" in an extramarital affair*. Pacifica Graduate Institute.

Fincham, F. D., & May, R. W. (2017). Infidelity in romantic relationships. *Current Opinion in Psychology*, *13*, 70-74. https://doi.org/10.1016/j.copsyc.2016.03.008

Gemmer, S. J. (2013). *Exploring Infidelity: Developing the GEM RIM (Gemmer's Risk of Infidelity Measure)* (Doctoral dissertation, Wright State University).https://corescholar.libraries.wright.edu/etd_all/653/.

Gordon, K. C., Baucom, D. H., & Snyder, D. K. (2007). Forgiveness in Couples: Divorce, Infi delity, and Couples Therapy. In Handbook of forgiveness (pp. 431-446). Routledge. https://doi.org/10.4324/9780203955673

Greiling, H., & Buss, D. M. (2000). Women's sexual strategies: The hidden dimension of extra-pair mating. *Personality and individual Differences*, *28*(5), 929-963. https://doi.org/10.1016/s0191-8869(99)00151-8

Hackathorn, J., & Ashdown, B. K. (2020). The Webs We Weave: Predicting Infidelity Motivations and Extradyadic Relationship Satisfaction. *The Journal of Sex Research*, 1-13. https://doi.org/10.1080/00224499.2020.1746954

Hunter, M. (2010). *Love in the time of AIDS: inequality, gender, and rights in South Africa*. Indiana University Press. http://www.jstor.org/stable/j.ctt16gzmmw

Kaler, A. (2003). “My Girlfriends Could Fill a Yanu-Yanu Bus”: Rural Malawian Men's Claims About Their Own Serostatus. *Demographic Research*, *1*, 349-372. https://doi.org/10.4054/demres.2003.s1.11

Karimi,H., Lali, A. (2024). The The Effectiveness of Couple Therapy based on Schema Therapy on Rejection Sensitivity and Tendency to marital infidelity of Married Women. *Iranian Journal of Family psychology. 11*(1), 94-107. [In Persian]. https://doi.org/10.22034/ijfp.2024.2020716.1293

Kimiaei, S. A., & Amini, H. (2021). Constructing and validating the Iranian 7 personality factors scale based on Joint-Point Center Marital Therapy. *Journal of Research in Clinical Psychology and Counseling, 10*(1), 105-129. [In Persian]. https://doi.org/10.22067/TPCCP.2020.39367

Knight, E. A. (2010). *Gender differences in defining infidelity* (Doctoral dissertation, Humboldt State University), Arcata, UNITED STATES. https://digitalcommons.humboldt.edu/etd/859

Kundu, R., Mandal, I., & Mallik, G. (2019). Modern life and its complexities: A study of extramarital relationships in Sikkim. *JIMS8M: The Journal of Indian Management and Strategy*, *24*(4), 54-62. https://doi.org/10.5958/0973-9343.2019.00036.x

Kuroki, M. (2013). Opposite-sex coworkers and marital infidelity. *Economics Letters*, *118*(1), 71-73. https://doi.org/10.1016/j.econlet.2012.09.023

Luke, N. (2008). Economic status, informal exchange, and sexual risk in Kisumu, Kenya. *Economic Development and Cultural Change*, *56*(2), 375-396. https://doi.org/10.1086/522896

Madden, M., & Lenhart, A. (2006). *Online dating: Americans who are seeking romance use the Internet to help them in their search, but there is still widespread public concern about the safety of online dating*. Washington, DC: Pew Internet & American Life Project. https://books.google.com/books?id=If8JkAEACAAJ

Maddox Shaw, A. M., Rhoades, G. K., Allen, E. S., Stanley, S. M., & Markman, H. J. (2013). Predictors of extradyadic sexual involvement in unmarried opposite-sex relationships. Journal of sex research, 50(6), 598-610. https://doi.org/10.1080/00224499.2012.666816

Mahambrey, M. (2018). *Infidelity: Is it Really Black and White? Characteristics of the Uninvolved Partner in Relationships with Extradyadic Involvement* doctoral dissertation. The Ohio State University, Columbus, UNITED STATES. http://rave.ohiolink.edu/etdc/view?acc_num=osu1531920825322479

Marchese Jeanfreau, M. (2009). *A qualitative study investigating the decision-making process of women’s participation in marital infidelity* doctoral dissertation. Kansas State University, Lawrence, UNITED STATES . https://www.proquest.com/openview/52572f160c09c29e061dae4bd692006f/1?pq-origsite=gscholar&cbl=18750

Mark, K. P., Janssen, E., & Milhausen, R. R. (2011). Infidelity in heterosexual couples: Demographic, interpersonal, and personality-related predictors of extra dyadic sex. *Archives of Sexual Behavior*, *40*(5), 971-982. https://doi.org/10.1007/s10508-011-9771-z

Massawe, V. K. (2014). *Reducing Economic Hardship for Youth and Women through Village Community Banks (VICOBA): A Case of Segerea Ward* (Unpublished doctoral dissertation). The Open University of Tanzania. http://repository.out.ac.tz/id/eprint/432

McNulty, J. K., & Widman, L. (2014). Sexual narcissism and infidelity in early marriage. *Archives of Sexual Behavior*, *43*(7), 1315-1325. https://doi.org/10.1007/s10508-014-0282-6

McNulty, J. K., & Widman, L. (2018). Narcissistic Qualities and Infidelity. In *Handbook of Trait Narcissism* (pp. 327-333). Springer. https://doi.org/10.1007/978-3-319-92171-6

Meston, C. M., & Buss, D. M. (2009). *Why women have sex: Understanding sexual motivations from adventure to revenge (and everything in between)*. Macmillan.

Mtenga, S. M., Pfeiffer, C., Tanner, M., Geubbels, E., & Merten, S. (2018). Linking gender, extramarital affairs, and HIV: a mixed methods study on contextual determinants of extramarital affairs in rural Tanzania. *AIDS Research and Therapy*, *15*(1), 1-17. https://doi.org/10.1186/s12981-018-0199-6

Munsch, C. L., & Yorks, J. (2018). When opportunity knocks, who answers? Infidelity, gender, race, and occupational sex composition. *Personal Relationships*, *25*(4), 581-595. https://doi.org/10.1111/pere.12261

Nkwake, A. M. (2015). *Credibility, validity, and assumptions in program evaluation methodology*. Springer. https://doi.org/10.1007/978-3-319-19021-1

Oppenheimer, M. (2007). Recovering from an extramarital relationship from a non-systemic approach. *American journal of psychotherapy*, *61*(2), 181-190. https://doi.org/10.1176/appi.psychotherapy.2007.61.2.181

Parikh, S. A. (2007). The political economy of marriage and HIV: the ABC approach,"safe" infidelity, and managing moral risk in Uganda. *American Journal of Public Health*, *97*(7), 1198-1208. https://doi.org/10.2105/ajph.2006.088682

Raeisi, A., Rahmati, A., Tashk, A. (2023). Effective Factors in Staying in the Relationship Following Marital Infidelity Disclosure: A Qualitative Study. *Iranian Journal of Family psychology. 10*(2), 67-89. .[In Persian]. https://doi.org/10.22034/ijfp.2024.2022752.1297

Selterman, D., Garcia, J. R., & Tsapelas, I. (2019). Motivations for extradyadic infidelity revisited. *The Journal of Sex Research*, *56*(3), 273-286. https://doi.org/10.1080/00224499.2017.1393494

Smith, D. J. (2007). Modern marriage, men's extramarital sex, and HIV risk in southeastern Nigeria. *American Journal of Public Health*, *97*(6), 997-1005. https://doi.org/10.2105/ajph.2006.088583

Tafoya, M.A., & Spitzberg, B.H. (2007). Communicative infidelity. In B.H. Spitzberg & W.R. Cupach (Eds.), *The dark side of interpersonal communication* (2nd ed.) (pp. 199-242). Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum Associates. https://doi.org/10.4324/9780203936849

Thompson, A. E., & O'Sullivan, L. F. (2017). Understanding variations in judgments of infidelity: An application of attribution theory. *Basic and Applied Social Psychology*, *39*(5), 262-276. https://doi.org/10.1080/01973533.2017.1350578

Thornton, R. (2008). *Unimagined community: Sex, networks, and AIDS in Uganda and South Africa* (Vol. 20). Univ of California Press. https://doi.org/10.1525/9780520942653

Ventura-León, J., Reyes, A., Valencia, P. D., Tocto-Muñoz, S., Gamboa-Melgar, G., Ruiz-Castro, J., & Lino-Cruz, C. (2025). Exploring Infidelity Behavior Patterns in a Sample of Peruvian Young Adults: A Latent Class Analysis. Journal of Marital and Family Therapy, 51(4), e70066. https://doi.org/10.1111/jmft.70066

Warach, B., Josephs, L., & Gorman, B. S. (2018). Pathways to infidelity: The roles of self-serving bias and betrayal trauma. *Journal of Sex & Marital Therapy*, *44*(5), 497-512. https://doi.org/10.1080/0092623x.2017.1416434

Warner, T. D., Manning, W. D., Giordano, P. C., & Longmore, M. A. (2011). Relationship formation and stability in emerging adulthood: Do sex ratios matter?. *Social Forces*, *90*(1), 269-295. https://doi.org/10.1093/sf/90.1.269

Weeks, G. R., & Fife, S. T. (2014). *Couples in treatment: Techniques and approaches for effective practice*. Routledge.

Wood, J. R., Milhausen, R. R., & Jeffrey, N. K. (2014). Why have sex? Reasons for having sex among lesbian, bisexual, queer, and questioning women in romantic relationships. *The Canadian Journal of Human Sexuality*, *23*(2), 75-88. https://doi.org/10.3138/cjhs.2592

Woolley, S. R., & Koren, R. (2025). Using the Woolley motivation typology to heal infidelity with emotionally focused therapy. *European Journal of Mental Health, 20*, 1-10. https://doi.org/10.5708/ejmh.20.2025.0035

Zareei Mahmoodabadi, H. (2022). Investigating the Causes of Marital Infidelity in Married Women and Men in Iran: A qualitative Meta- Synthesis study. *Iranian Journal of Family psychology. 8*(2), 26-38. .[In Persian]. https://doi.org/10.52547/ijfp.2022.546355.1069

Ziv, I., Lubin, O. B. H., & Asher, S. (2018). "I Swear I Will Never Betray You": Factors Reported by Spouses as Helping Them Resist Extramarital Sex in Relation to Gender, Marriage Length, and Religiosity. *The Journal of Sex Research*, *55*(2), 236-251. https://doi.org/10.1080/00224499.2017.1347602